هفته نامهٔ

# مجاهد

وآنان که در راه ما با جان ومال جهادکردند محققاً آنان رابه راه خویش هدایت می کنیم و همیشه خدا یار نیکو کاران است
قرآن کریم

ارگان نشراتی جمعیت اسلامی افغانستان


سرمقاله

## آرزوهای استاد ربانی هنگام واگذاری قدرت

**به حامد کرزی متحقق نشد**

ص۲

## تعقیب جنایتکاران وجانیان در عراق و افغانستان را نمی توان جنگ نامید

ص۵

دور ششم – سال هفتم – شمارهٔ بیست و هشتم شنبه ۳۰ قوس ۱۳۸۷- ۲۲ ذوالحجه ۱۴۲۹ - ۲۰ December۲۰۰۸



## متن کامل بیانیه استاد برهان الدین ربانی

# در مراسم انتقال قدرت

## اول جدی ۱۳۸۰ هجری خورشیدی

**اینجانب گرچه در آغاز کار اصرار داشتم اعضای ادارهٔ موقت در پایتخت کشوردر شهرکابل تعیین گردند تا تاریخ و مردم در مورد ما حکم نکند که حکومت افغان ها در خارج از مرزهایشان ساخته شد اما با توجه به ضرورت فوری برگشت**

**ادامه درص۳**

# سه رخداد مهم در دو هفتهٔ گذشته

**ابوبکر سبزوار**

افغانستان در دو هفتهٔ اخیر میزبان سه تن از شخصیت های مهم بین المللی بود. رابرت گیتس وزیر دفاع امریکا، گوردون براون صدراعظم انگلستان، جورج دبلیو بوش رئیس جمهور امریکا وسرانجام وزیر خارجهٔ پاکستان.

این سفرها از نظر دولت افغانستان تأیید مجدد جامعهٔ جهانی از افغانستان و تجدید تعهد به این که افغانستان به فراموشی سپرده نخواهد شد تلقی می شود. رابرت گیتس وزیر دفاع امریکا ضمن این که از فرستادن سربازان امریکایی به افغانستان خبر داد گفت که نمی توان تاریخ دقیقی برای پایان جنگ علیه تروریسم مشخص کرد. این جنگ طولانی است و شاید سال ها دوام نماید.

**جواب گیتس به کرزی**

این سخن گیتس به وضوح جوابی به حامد کرزی بود که از امریکا خواسته بود تا تاریخی را برای پایان جنگ علیه تروریسم مشخص سازد. یا به عبارهٔ دیگر زمان خروج نیروهای خارجی از افغانستان را تعیین نماید.

اما ملا برادر نایب تحریک طالبان به این باور است که غربی ها در افغانستان شکست خورده اند و برای تقویت روحیهٔ درهم شکستهٔ، سربازان شان به این سفرها مبادرت می ورزند. این سخن ملا برادر شاید به این دلیل باشد که سفر گوردن براون به افغانستان پس از کشته شدن حداقل سه سرباز انگلیسی در ولسوالی سنگین ولایت هلمند صورت گرفت.

جالب است که ملا برادر در رابطه به فرستادن بیست هزار سرباز جدید امریکایی به افغانستان مدعی شد که آمدن این سربازان برای پر کردن جای خالی سربازان کشته شدهٔ امریکایی است. **ادامه درص۸**



## له گاونډیانو سره د پاکستان سیاسي وضعیت او

### ناټو ته ور پیښ چیلنجونه

**شفیق**

په سیمه کې د ترهګرۍ پرخلاف نوې جګړې دا مهال نږدې اته کلونه پوره کیږي نو لاتر اوسه خپل منطقي انجام ته نده رسېدلې، او دغه روانه جګړه اوس ناټو ته له بل هر وخت څخه هغه مهال ګرانه شوه چې د ترهګرو پرخلاف عملیات یې د پاکستان خاورې ته وغزول، له کومو ځایونو چې د امریکا مخالف مقاومت اوپکې د افغانستان خاورې ته داخلیږي. د طالبانو د رژیم له ړنګېدو وروسته لومړی دا جګړه یوازې د افغانستان په خاوره کې وه او د طالب رژیم د پاتې خلکو لخوا د بُن د پریکړې په نتیجه کې د راغلي نظام او کرزي دولت مقاومت کېده خو په دې وروستېو کې د اوربکو پسې د پاکستان قبایلي سیموته د جګړې غځېدل چې غته برخه یې د امریکایي بې پیلوټه الوتکو بمبارۍ تشکیلوي، په سیمه کې د ناټو د مخالفینو دایره پراخه کړیده؛ ځکه د افغانستان د دولت د مخالفو طالبانو په څېر د پاکستان په خاوره کې **پاتې پر۷مخ**

# پارلمان کشور در چهار سال گذشته

**پارلمان در داخل خود با معضل های جدی نیز رو به رو بوده است که آن غیرحاضری وعدم حضور دوامدار برخی از اعضای ولسی جرگه بوده است که رهبری و هیأت اداری با وجود اصرار زیاد نتوانسته اند به این معضل پایان بخشند. و روی همین مشکل دراکثر اوقات، جلسات مجلس نمایندگان به دلیل عدم تکمیل نصاب، دایر نگردیده است.**

**ادامه درص۵**



# کنفرانس پاریس

## تلاشی بی دست آورد

**وحید مژده**

هفتهء قبل پاریس پایتخت فرانسه شاهد یک کنفرانس دیگر در مورد افغانستان بود. از کنفرانس بن در سال ۲۰۰۱ تاکنون چندین کنفرانس بین المللی برای کمک به افغانستان در کشور های مختلف تدویر یافت که هرکدام روی هدف خاصی که کشور میزبان خواهان آن بوده است تمرکز داشت. در بعضی از این کنفرانس ها، کشور های کمک دهنده به افغانستان بار دیگر به ادامهء کمک های شان به افغانستان تعهد سپردند اما بعدا مشخص شد که این تعهدات تکرار تعهدات قبلی بوده و شامل کمک جدیدی نیست. اما کنفرانس پاریس به منظور کمک مالی به افغانستان دایر نشده بود.

هدف از تدویر کنفرانس پاریس ظاهرا تلاشی بود به منظور نزدیک ساختن نظرات کشور های همسایهء افغانستان در مورد تامین امنیت در این کشور جنگ زده. کشور های همسایهء افغانستان باید به این نکته توجه نمایند که اولین کشور هائی که از ناامنی در افغانستان متضرر خواهد شد همسایه های این کشور اند. **ادامه درص۲**

مجاهد
ارگان نشراتی جمعیت اسلامی افغانستان
مؤسس: استاد برهان الدین ربانی
سال تأسیس: ۱۳۵۷ خورشیدی
ناشر: دفتر فرهنگی
زیر نظر هیأت تحریر
آدرس: کابل، عقب سینما بهارستان، کوچهٔ قصابی، دست چپ کوچهٔ چهارم
شمارهٔ تلفن: ۰۷۰۲۸۵۱۳۹ و ۰۷۰۸۸۲۷۸۹۰
Website: www.mujahedweekly.com
E-mail: Mujahid۱۳۵۷@Yahoo. com

## سرمقاله

# آرزوهای استاد ربانی هنگام واگذاری قدرت به حامد کرزی متحقق نشد

درست هفت سال قبل حامدکرزی در اجلاس بن به عنوان رئیس ادارهٔ موقت، انتخاب شد و در پی آن استاد برهان الدین ربانی رئیس دولت اسلامی افغانستان به صورت مسالمت آمیز قدرت را به وی واگذار نمود.

در مراسمی که به این مناسبت به تاریخ اول جدی سال ۱۳۸۰ در تالار وزارت داخله دایر گردید، استاد ربانی سخنرانی کرد و آرزوهای خویش را برای یک افغانستان آزاد، شگوفا و دارای ثبات و آرامش اظهار نمود.

محورهای اصلی سخنان استاد را خوشنودی از توجه جامعهٔ جهانی به افغانستان، رضایت به واگذاری مسالمت آمیز قدرت به آقای کرزی و اظهار خوش بینی به توانمندی وی و تیم کاریش در ساختن دولت و رهبری آیندهٔ افغانستان، استقبال از بازگشت افغان های مقیم خارج به کشور، آرزومندی نابودی گرایش های تعصب آمیز نژادی، زبانی و گروهی در افغانستان، احترام به استقلال سیاسی و فرهنگی کشور، توجه به بازماندگان شهدا، معلولین و بیوگان و یتیمان و آمادگی برای فعالیت درعرصه های سیاسی و فرهنگی کشور خویش تشکیل می داد.

امااین، آرزوهای استاد ربانی که در تالار وزارت داخله ایراد شد متأسفانه تحقق نیافت.

برخلاف وعده های دهن پرکن کشورهای خارجی، پس از گذشت هفت سال، افغانستان یکی از فقیرترین کشورهای جهان است، ٦ ملیون اتباع کشور تحت خط فقر به سر می برند، بیکاری،در آمد پائین، مردم را به ستوه آورده ر است، در جهت ایجاد خدمات اساسی مانند برق پیشرفتی صورت نگرفت. امسال بیش از هر سال دیگر کابل با بی برقی روبروست و هر خانواده در هر صد ساعت حدود پنج ساعت برق دارند.

خوشبینی استاد در مورد توانمندی آقای کرزی و تیم وی، در ایجاد دولت ملی، آوردن صلح و آرامش و پیشرفت و رفاه برای مردم افغانستان جامهٔ عمل نپوشید. آقای کرزی نتوانست یک محور فراگیر ملی بسازد تا همه گروه های جامعهٔ افغانستان از حق مشارکت در ساختار قدرت بهره مند شوند.

آقای کرزی و تیم همکار وی ناکامی خود را در حکومت داری، ساختن ادارهٔ سالم به اثبات رساندند، فساد اداری، اختلاس و سرقت دارای های عامه به صورت نگران کننده رشد نموده و هیچ امیدی برای اصلاح امور دیده نمی شود.

حامدکرزی و تیم وی به دموکراسی و آزادی های سیاسی نیز ناسازگاری نشان داده با بهانه سازی در صدد نهادینه ساختن استبداد و ادامهٔ حاکمیت می باشند.

بجای یک پارچگی ملی، تضادهای سمتی و قومی دامنه دار تر و عمیق تر گردید و از این نگاه افغانستان عقب گردی شدیدی را تجربه کرد و سیاست های غیر ملی حکومت های استبدادی گذشته مورد اجرا قرار گرفت.

هر روز شماری از غیرنظامیان در نتیجهٔ حملات گروه های درگیر، مخصوصاً بمباران های نیروهای خارجی و حملات انتحاری مخالفان، شهید و معلول می شوند و برشمار این گروه های مظلوم افزوده می شود.

اما متاسفانه هیچ توجهی به آنها صورت نگرفت و آنها با دشواری های جانکاه اقتصادی روبرو گردیدند و اکثر آنان به صف گدایان پیوستند.



# کنفرانس پاریس

## تلاشی بی دست آورد

وحید مژده

پس لازم است تا این کشور ها در مورد تامین امنیت در افغانستان با همدیگر بصورت هماهنگ عمل کنند.

این ظاهر قضیه بود اما هدف نهائی در این گونه کنفرانس ها که در اروپا دایر می شود اینست تا مخالفت افکار عمومی در این کشور ها را در مورد حضور نیروهای کشور شان در افغانستان تا حدی تحت تاثیر قرار گیرد. این برنامه بخشی از یک برنامهء خیلی بزرگتر است که باید توجیهی در اذهان مردم در کشور های اروپائی برای بقای پیمان ناتو بعد از فروپاشی اتحاد شوروی دست وپا گردد.

در فرانسه طبق آمار های منتشر شده بیش از پنجاه و پنج در صد از مردم خواهان خروج نیروهای کشور شان از افغانستان اند و این آمار پس از آن منتشر شد که ده سرباز فرانسوی در یک کمین مخالفین در منطقهء اوزبین سروبی در شرق کابل به قتل رسیدند.

کنفرانس پاریس در شرایطی دایر گردید که روابط سیاسی میان فرانسه وایران بخاطر سخنان تند و دور از عرف دیپلوماتیک بوسیلهء نیکولاس سرکوزی رئیس جمهور فرانسه به سردی گرائیده است. این نکته از قبل قابل پیشبینی بود که وزیر خارجهء ایران در این نشست شرکت نخواهد داشت. کشور های دیگر همسایهء افغانستان نیز به این نشست توجه زیادی نشان ندادند. هندوستان هم هیئات بلند پایه ای به این کنفرانس نفرستاد و از جانب پاکستان نیز نشانهء دلگرم کننده ای به مشاهده نرسید.

حضور نیروهای خارجی در افغانستان یکی از نگرانی های مهم همسایگان افغانستان و تمام کشور های منطقه است. انگلیس ها وامریکائی ها بار ها گفته اند که این جنگ تا ختم تهدید تروریسم از افغانستان ادامه خواهد یافت. بعضی از کشور های عضو ناتو حتی از دهها سال جنگ در افغانستان نیز سخن گفته اند. درحالیکه مردم

**حضور نیروهای خارجی در افغانستان یکی از نگرانی های مهم همسایگان افغانستان و تمام کشور های منطقه است. انگلیس ها وامریکائی ها بار ها گفته اند که این جنگ تا ختم تهدید تروریسم از افغانستان ادامه خواهد یافت. بعضی از کشور های عضو ناتو حتی از دهها سال جنگ در افغانستان نیز سخن گفته اند**

فرانسه نیز نمی دانند سربازان شان تا چه وقت در افغانستان خواهند ماند، این وضع هرگز نمی تواند موجب اطمینان خاطر برای همسایگان افغانستان باشد. در گردهمائی پاریس، کسی که بتواند به این سوال مهم جواب دهد وجود نداشت و بنابراین دست یابی به هدف ظاهری کنفرانس از قبل به دشواری مواجه بود. اما اگر هدف اصلی همانا هدف پنهانی یعنی تحت تاثیر قرار دادن افکار عمومی درفرانسه بوده باشد، رسیدن به چنین هدفی نیز پس از کشف بمب در فروشگاه بزرگی در پاریس زیر سوال است.

پس از این کنفرانس خبر مهمی از پاریس توسط رسانه ها به نشر رسید. یک گروه ناشناخته بنام جبههء انقلابی افغانستان پنج بمب بدون فیوز انفجاری را در یک فروشگاه بزرگ در پاریس جابجا کرد و خود این جریان را به پولیس فرانسه خبر داد. آیا این کار واقعا توسط افغانها صورت گرفته است؟ طالبان هرگونه دخالت در این جریان از جانب خود را رد کردند. گفته شد که این کار نمی تواند کار اسلامگرایان باشد بخصوص که جملات بکار گرفته شده در نامه به پولیس از جانب این گروه، بیشتر به ادبیات چپی شباهت دارد. در این نامه تهدید شده است که اگر فرانسه قوای خود را از افغانستان بیرون نکند، این کشور آماج حملات با بمب قرار خواهد گرفت.

میان کنفرانس پاریس و این جریان چه رابطه ای میتوان یافت؟ آیا این کار بخشی از برنامهء زنده نگهداشتن وجههء افغانستان بعنوان یک تهدید به منظور تحت تاثیر قرار دادن افکار عمومی در فرانسه نیست تا مردم این کشور جنگ در افغانستان را دفاع از فرانسه بشمارند؟

این جریان می تواند تاثیرات معکوس هم ببار آورد و مردم را بیش از پیش در مورد ادامهء ماموریت سربازان شان در افغانستان به مخالفت وادارد. بهرحال اکنون کار به دوش رسانه ها در اروپاست که چگونه افکار عمومی را در این رابطه توجیه خواهند کرد.

می توان گفت که این کنفرانس هرچند بنام افغانستان دایر شد ولی دست آورد ملموسی برای افغانستان نداشت اما فرصت مناسبی برای ایران بود تا به فرانسه نشان دهد که تنها غربی ها نیستند که می توانند ایران را مورد تحریم قرار دهند. ایران بعنوان یک همسایهء مهم افغانستان با کم اهمیت دادن به کنفرانس پاریس، توانست این توان خود را به رخ نیکولاس سرکوزی بکشد!



## متن کامل بیانیه استاد برهان الدین ربانی در مراسم

# انتقال قدرت

### اول جدی ۱۳۸۰ هجری خورشیدی

**اشاره: آنچه مطالعه می فرمایید متن بیانیه استاد برهان الدین ربانی رهبر جهاد ومقاومت در مراسم متمدنانه قدرت از دولت اسلامی افغانستان به آقای حامد کرزی رئیس اداره موقت افغانستان است که در تالار وزارت داخله ایراد نموده است.**

**این بیانیه مهم وتاریخی را به خاطر اهمیت آن یک بار دیگر به مطالعه خوانندگان ارجمند تقدیم می داریم.**
**اداره**

**الحمدلله الذی تتم بنعمته الصالحات و صلح علیه امر الدنیا و الاخرة، والصلوة و السلام علی سیدالانبیاء و المرسلین محمد رسول الله الامین وعلی اله الطاهرین الطیبین و صحابته اجمعین و بعد!**

هموطنان با شهامت، ملت آزاده، صبور و سرافراز افغانستان، رئیس و اعضاء محترم حکومت موقت مهمانان عالیقدر!

السلام علیکم و رحمته الله و برکاته!

امروز یک روز تاریخی و مهم در تاریخ پرافتخار ملت با عظمت ماست، آری! در این برهه حساس از تاریخ، سرنوشت سرزمین زیبا و ملت قهرمان وحماسه آفرین ما بعد از تحمل رنج های فراوان، قربانی ها آواره گی ها و ویرانی ها و اندوه بی پایان اینک با سرنوشت بشریت متمدن گره خورده است، و منافع علیای ملی ما با منافع جامعه جهانی هم سویی یافته است وکشور فراموش شده ما در محراق توجه جهانی قرار گرفته است.

این جانب بیش از هر وقت دیگر به آینده تابناک و روشن کشور و مردم خویش خوش بین و امیدوارمی باشم فکر می کنم دوران مشکلات و دشواری های مردم ما به پایان خود نزدیک می شو و ملت زجردیده و صبور افغانستان به صلح و صفا و امنیت آرامش و رفاه، فاصله زیادی ندارد، خداوند خیرالناصرین را سپاسگذارم که به من وهمکارانم توفیق عنایت فرمود تا در چوکات دولت اسلامی و جبهه متحد اسلامی و ملی افغانستان بار دیگر مانند دوران پرشکوه و باعظمت جهاد در برابر ارتش سرخ، در امر نجات وطن و مردم خویش سهم عمده واساسی داشته باشیم.

دراین جا مناسب می دانم که از قهرمانانی که در راه رهایی ملت مظلوم افغانستان از چنگال خونین کمونیزم و سپس تروریزم شجاعانه جان های شیرین شان فدا کردند به ویژه از فرزنده معنوی ام قهرمان ملی جهاد ومقاومت افغانستان شهید انجنیر احمدشاه مسعود و همه شهیدان عزیز دوران جهادومقاومت با احترام و حرمت فراوان یادآور شده و به روان پاک همه شان اتحاف دعا نمایم.

من وظیفه خود می دانم تا از جامعه متمدن جهانی، سازمان ملل متحد، اتحادیه اروپا، سازمان کنفرانس اسلامی وازهمه کشورهایی که ملت ما را بر ضد کمونیزم و اخیراً در هنگام مبارزه با تروریزم یاری کرده اند و مردم ما را تنها نگذاشته اند و درهر دو مرحله دشوار با همکاری های سخاوتمندانه مادی و حمایت های قاطع معنوی و سیاسی و نقش عمده یی در پیروزی ما داشته اند قلبا سپاسگزاری نمایم.

یقین کامل دارم که مردم حقشناس افغانستان این کمک های انسان دوستانه آنان را به دیده قدر نگریسته و هرگز آن را فراموش نخواهد کرد.

و اینک در اثر فداکاری های بیدریغ مردم شریف افغانستان و بخصوص به همت والای سنگر داران سنگر گرم مبارزه علیه پدیده شوم طالب و همکاری جامعه جهانی صلح و ثبات به کشور ما باز می گردد، و بر طبق فیصله مجلس عالی افغان ها در بن، پایتخت سابق جمهوری فدرال آلمان حکومت موقت به رهبری یکتن از فرزندان مجاهدین افغان جناب حامدکرزی با انتقال آرام و مسالمت آمیز امانت قدرت به ایشان شروع به کا رمی نماید که یقینا این پدیده در جامعه پرآشوب ما طی چندین قرن اخیرسابقه ندارد و آن را بایست متمدن ترین شیوه انتقال قدرت خواند.

از خداوند متعال استدعا دارم تا به رئیس ادارهٔ موقت و همکاران شان که با هر یک آنان آشنایی دارم و اکثریت قریب به اتفاق شان یا در سنگر گرم وجود داشتند یا در عقب جبهه در خدمت جهادگران و مهاجرین تلاش می ورزیدند در خدمت به مردم زجردیده و ملت سوگوار و تشنه به صلح افغانستان توفیق عنایت فرماید.

اینجانب گرچه در آغاز کار اصرار داشتم اعضای ادارهٔ موقت در پایتخت کشوردر شهرکابل تعیین گردند تا تاریخ و مردم در مورد ما حکم نکند که حکومت افغان ها در خارج از مرزهایشان ساخته شد اما با توجه به ضرورت فوری برگشت صلح و علاقمندی جامعه جهانی، به آن راضی شدم، آنهایی که انتخاب شده اند، همه ایشان فرزندان دلسوز به سرزمین خویش بوده و همه قصد خدمت به افغانستان عزیز را دارند خداوند توانا به همه آنان در راه خدمت به مردم و حفظ راه جهاد ومقاومت توفیق عطا فرماید.

به این مناسبت لازم می دانم از همه کشورهای و افرادی که در نقاط مختلف جهان با افغان ها در انجام این امر مهم همکاری کرده اند و چنین وضعی را مساعد ساخته اند به خصوص از رهبران جمهوری فدرال آلمان شخص صدراعظم و وزیر خارجه آن که با شکیبایی و علاقمندی خاصی در امر موفقیت

**دراین جا مناسب می دانم که از قهرمانانی که در راه رهایی ملت مظلوم افغانستان از چنگال خونین کمونیزم و سپس تروریزم شجاعانه**

**جان های شیرین شان را فدا کردند به ویژه از فرزند معنوی ام قهرمان ملی جهاد ومقاومت افغانستان شهید انجنیر احمدشاه مسعود و همه شهیدان عزیز دوران جهادومقاومت با احترام و حرمت فراوان یادآور شده و به روان پاک همه شان اتحاف دعا نمایم.**

****

مجلس افغان ها در بن همکاری کرده اند. از سازمان ملل متحد ونقش کلیدی آقای اخضرابراهیمی و همکارانش از جمله آقای فرانسس ویندرل و از عموم برادران عزیز وهیأت های افغانی که در این پروسه با هم همکاری کرده اند سپاسگزاری نمایم. در اخیر یاد آوری مطالب ذیل را ضرور می پندارم.

خواهران وبرادران هموطنم که داغ و درد روز گار اندوهبار توطیه و تجاوز را با همه وجود خود لمس کرده اند و از جنگ و آشوب سخت رنج برده اند بیش از دیگران به ارزش صلح و صفا ثبات و امنیت درکشور شان علاقمنداند.

فرماندهان با شهامت و دلیر مردان مجاهد کشور که بیش از دو دهه عمر عزیزشان را در سنگرهای افتخار آفرین سپری نموده اند در حفظ صلح و ثبات کشوراز اهمیت خاصی بهره منداست، و یقیننا که قهرمانان جهاد و مقاومت دیروز، امروز به عنوان قهرمانان صلح وثبات به عرصه تاریخ معاصر کشور خویش قدم خواهند گذاشت.

اکنون زمان آن فرارسیده است تا هموطنان آگاه و با فرهنگ و مردم صمیمی و خوش قلب افغانستان فارغ از تعصب و تعبیض نژادی، لسانی و مذهبی و گروهی در فضای پر از محبت با صفا و صمیمیت دست در دست هم داده و در ساختارافغانستان نوین، افغانستان مستقل، سربلند و ازاد و آباد با بکار گیری و استفاده معقول از کمک های جامعه بین المللی در اعمار مجدد وطن ویران خویش با هم یاری و همکاری نمایند.

دیگر اجازه ندهندکشوریک پارچه و متحد ما را به نام شمال و جنوب و ملیت های برادر ما را بنام پشتون، تاجیک، هزاره وازبک از هم جدا سازند، همه با هم بر مبنای اخوت اسلامی که اساسی ترین رمز و راز اتحاد ملت ماست و براساس وحدت ملی، مشترکات فرهنگی، افتخارات مشترک تاریخی به عنوان یک ملت واحد، آزاد وسرافراز مرحله جدیدی از تاریخ حیات اسلامی و ملی خویش را آغازنمائیم.

ازهمه دانشمندان وطندوست و روشنفکر آگاه کشور که به حکم شرایط نا مساعد در میهن عزیزشان اواره و مهاجر شده اند، صمیمانه می خواهم اینک که زمان آن فرا رسیده است که به آغوش مادر وطن برگشته و در بازسازی آن فعالانه سهم بگیرند، بدون تاخیر به میهن برگردند چه فززندان دلسوز افغانستان خواهند بود که با عشق و ایمان در شکوفایی و اعمار وطن شان نقش تعیین کننده را اداء خواهند نمود.

ازهمه همسایگان افغانستان می خواهم فصل جدیدی را در مناسبات شان با کشور ما آغاز نمایند، از آنهاییکه در دوران رنج و محنت بر جراحات ملت ما مرهم گذاشته و با ما یاری و همکاری مادی و معنوی و انسانی نموده اند، بی نهایت سپاسگزارم و آن هایی که روی هر انگیزه بر ما جفا روا داشته اند گذشته ها را فراموش و صفحه جدیدی از مناسبات و همکاری را آغاز نمایند.

از عموم کشورهای منطقه و جامعه بین المللی تقاضا دارم بعد از این اجازه ندهند در اموداخلی و سرنوشت مردم کشور ما تحت هیچ نام و عنوانی مداخله صورت بگیرد.

چه همه به این حقیقت تلخ آگاهی دارند که عامل اساسی رنج های بی پایان ملت ما و دغدغه های اندوهبار جامعه جهانی دراین ایام، همانا مداخله های ظالمانه در امور کشورما بود، مگر طالبان ولانه های تروریستی در سرزمین ما جز پیامد وسوغات همین مداخلات بیرونی عاملی دیگری دارد؟

امیدوارم کشورهای علاقمند به صلح و ثبات و استحکام حکومت مرکزی توجه جدی خویش را معطوف نمایند و از برقراری روابط مستقل حکومت مرکزی و گروه هایی که باعث بی ثباتی حکومت مرکزی گردد اجتناب ورزند.

جهان به اراده ملی مردم افغانستان در تشکیل نظام و زعامت سیاسی شان احترام نماید و مطابق ذوق و سلیقه های بخصوص هیچ جهتی، فرد و یا گروه وسیستم خاصی را بر مردم ما تحمل نه نماید.

اکنون که دوران بازسازی شروع شده است توجه اداره موقت و به خصوص توجه رئیس محترم و موسسات ذیعلاقه جامعه جهانی رابه تعیین سرنوشت آنعده فرزندان جهاد و مقاومت افغانستان جلب نمایم که رهایی و نجات کشور محصول قربانی و فداکاری آنان است، باید به خانواده شهدای عزیز جهاد و مقاومت و معلولین انقلاب توجه جدی مبذول گردد وجایگاه جهاد گران عزیزدر چوکات اردوی ملی افغانستان از همین حالا معین گردد.

من امید واثق دارم که انشاء الله در پناه لطف خداوند منان ملت کبیر وپرافتخار افغان در شاهراه ترقی گام خواهند گذاشت و مدارج پیشرفت و رفاه وآزادی فردی و اجتماعی را در چوکات ارزش های والای دین مبین اسلام که حامی حقوق، عزت وکرامت انسان و پیشتبان علم و معرفت است، و بر مبنای عنعنه های پسندیده ملی و با استفاده از دانش و تمدن جهانی طی خواهدکرد.

من و یاران همسنگرم که دیروز در راه دفاع از تاریخ وفرهنگ استقلال و آزادی کشور در سنگر جهاد و مقاومت مسلح قرار داشتیم، اکنون همراه با سایر فرزندان آگاه دلسوز ملت در بسیج ملی به منظور وارد شدن به مرحله نوین از حیات سیاسی و اجتماعی مردم کشورکمر همت بسته در جبهه وسیع و فراگیری به کار خویش در عرصهٔ فرهنگی وسیاسی آن ادامه میدهیم، ودر استحکام ادارهٔ موقت، تقویت صلح وثبات در کشور از هیچ تلاش سازنده یی در راه پیاده شدن اهداف جهاد و آرمان شهدای عزیز دریغ نخواهم کرد.

یکبار دیگر از مهمانان عالی قدر و عزیز افغانی و غیر افغانی که با حضورشان به شکوهمندی جلسه مان افزودند تشکر میکنم .

به امید افغانستان مستقل، آزاد، آباد وسرافراز

# دعا در شعر شعرای جهاد و مقاومت

# سرود سنگر

عبدالقیوم ملکزاد



قاری عبدالله مستقیم از سخنوران پرسوز و دارای طبع روانست که در تاشقرغان سمنگان دیده به جهان گشوده است، سروده های این سخنور مزید برنشریه ها دوران جهادبه ویژه "مجاهد" و "میثاق خون" به گونه دفتر یا مجموعه نیز چاپ و در دسترس خوانندگان محترم قرار گرفته است.

مستقیم در شعرخویش همواره جنایات متجاوزین و قتل و کشتارهایی را که به وسیله لشکر سرخ و عناصر وابسته به رژیم مزدور انجام می پذیرفت، مورد نکوهش قرار داده به گونه مثال قصیدهٔ معنون به "ای مایهٔ حیات تو دربحر ویر همی" مثال روشنی است درباب آنچه اشاره رفت.

قصیدهٔ یاد شده تصویری است خونین و غمبار از اوضاع حاکم در کشوردر خون تپیده افغانستان، از ریختن خروارها بمب وراکت برسر مردم بی دفاع و سوختاندن درختان ومزارع و کشتزارهای آن و بازتاب وقایع خونین و ماتمباری که در سرتاسر کشور به وسیلهٔ شورویان و کمونستان اعمال می شد و از دامن میهن خون می جوشید و سینه های فرزندان این دیار با خنجر بران جور ووحشت کفار پراز داغ بود و مشحون از زخم خونچکان ...!

مستقیم هر زمانی که وقایع و رویدادهای درد آگین کشور را می شنید، اندوه به ساحت قلب مجروحش خیمه می افراشت، خامه برمیداشت وغمنامه می نگاشت. او گه گاه ضمن این که از شهامت پیکارجویان خداجوی و آزادی پوی در معرکه های جهاد ستایش می کرد از روی دسایس و توطئه های دشمنان دین و وطن پرده بر می داشت و هشدار نامه هایی مبنی بر خطراتی که عظمت جهاد ملت مسلمان افغانستان و جلال و شکوه انقلاب اسلامی را مورد تهدید قرار می داد. می نگاشت و از دیدگاه او و بسا از قلمداران، خطر بزرگ همانا وجود اختلافات و کشمکش های تاسف بار بین مجاهدین و سنگر داران بود که این قلم قرار برآن دارد إن شاءالله در این موارد نیز به تفصیل قلم فرساید.

اما از آنجایی که جستار کنونی ما در محور"دعا" از منظر سخنوران جهاد گر آن روز گار می چرخد، بناء می پردازیم به واپسین ابیات قصیدهٔ یاد شدهٔ حافظ عبدالله مستقیم، که گویی از لابلای آن شعر دردبار دست لرزان شاعر به بارگاه داد گر فراز است و ناله و زاری اش هر نفس بلند، شاعر می خواهد تا خدای یکتا و مهر ورز بندگانش را مورد لطف و عنایت قرار دهد و حیاتی آبرومند در زیرچتر آزادی و سرافرازی نصب فرماید.

مناجات شاعر را که در سال ۱۳۶۸ هجری خورشیدی به دست نشر سپرده شده به یاد آن روزهای عاری از ریا و فضای آگنده از خلوص وصفا زمزمه می کنیم:

**یارب به قدرو منزلت شافع الورا**
**شمس الضحی و هادی کل راهبرهمی**
**یارب به روزگار شبابی مصطفی**
**بودی به روز و شب که به دست و دگر همی**
**یارب به غار پاک پایگاه دوست**
**زانجا هدایت تو شده منتشر همی**
**یارب به آن دمی که در آن لحظه کائنات**
**هیچ است پیش وصل تو شد بهره ور همی**
**یعنی حبیب توشهٔ بی تاج و بی سریر**
**سلطان بی کلاه و کمربند و زر همی**
**یارب به دولتی که ابوبکر را رسید**
**دریافته رصدق وصفا این گوهر همی**
**یارب به آن نظر که عمر داده بود پیش**
**آمد فرود آیه یی با آن نظر همی**
**یارب به عزتی که به عثمان نصیب شد**
**علم و حیا و جامهٔ تقوا به بر همی**
**یارب سعادتی که علی را احاطه کرد**
**گردید باب علم وعمل زان حضر همی**
**یارب به پاک بازی اصحاب تابناک**
**با عاشقان دل از خود خبر همی**
**با لخته لخته خون شهیدان راه حق**
**با قطره قطره اشک یتمان در همی**
**با آتش درون دل مادر و پدر**
**کزدست داده اند به سنگر پسر همی**
**دریاب مان که مانده به تیه ایم مستمند**
**حیران و زار و واله و خاک به سر همی**
**یارب زلطف میهن ما را نجات بخش**
**زین شعله های فتنه وزین شور وشر همی**
**غیرتونیست آنکه مددگار ما شود**
**جز تو کجاست قدرتی با این اثر همی**
**آزادساز کشورما را به عون خویش**
**زیرلوای دولت اسلام برهمی**
**شامیست تیره رنگ که ما را گرفته است**
**روشن نما زفیض ضیای سحر همی**

ما، ضمن پربار خواستن طبع این سخنوردرد آشنا به سرودهٔ دیگر وی تحت عنوان "دست عنایتی" عطف عنان می کیم که از جفای دشمنان اسلام شکوه سرداده که آهنگ دیگر دارد و نوای دیگر:

**دست عنایتی که دیاراست درخطر**
**یارب به دور دار خطر را به جود خویش**

## اندیشهء من دایم اینست..!!

عبدالاحد تارشی

آن دم که در اندیشهء حسن
تصویر رخسار تو آید
رنگین ترین گلها که بهر رستن خویش
بودند دنبال بهانه
از ازدحام تنگ رویش سربرآرند
دردیدهء سکر آفرینت
دستان زیبایی نگاه تازه کارند
***
اندیشهء من دایم اینست
آیا مگر زاندم که تو برکشورحسن
گشتی مسلط
از کوچه وپسکوچهء اندیشه اش بگذشته گاهی
دلربایی ؟!
انگشت آرایشگرش آیا نهاده
جز روی تو جز چشم تو برچهره یی بردیده یی
رنگینی ناز وادایی؟!
آیا به زلفی داده فرمان
جز گیسوانت
کز سینه ها با جور دلهارا رباید؟!
آیا نهال قامتی را
جز قامت تو
بسپرده دردست بهاران
تا درتمام باغ های دلبری آن را بکارد؟!
***
زیبای من ای نازنین جامه گلگون
آندم که خاموشی ولبهای تو بوسد یکدگر را
درکل اشعاری که زیبایی برای خود سروده
وان را نوشته
برصفحهء رعناترین گلهای دنیا
دردفتر خوشبوترین باغ
با دستهای مهر خورشید
با کلک بستان ساز باران
با واژه هایی از الفبای بهاران
نتوان برای بوسه شعری جستجو کرد
کز لذت این..
شیرین ترین جان
وصفی نماید..
آنسان که شاید
***
وقتی که می خندی ، لبانت
خط های مرزشهرکی از ملک حسن اند
وقتی که در گفتار می باشی ، زبانت
دردستهای آفرینش می گذارد خامه یی را
تا آن که برگلبرگ رویت
دلکش ترین شهکارهای خویشتن را آفریند
وانگاه چون..
عشق..
این اشتیاق گشته بریان
این التماس سینه های سوخته چشمان گریان
خواهد شراب مست دیدارتراتا قطره های آخر لذت
بنوشد
با تشنگی های نگاه من بسوی تو ببیند
***
آن گه که حسن از آبشاران نگاهت
طوفان مستی گشته اندر برکهء آئینه ریزد
حتی خودت را نیزنتوان
از سیل حیرت کرد بیرون
جزآن که با دستان شانه
خودرا بیاویزی به زلف عنبرافشان
یا آنکه بندد راه طوفان نگه را
مویی که می گردد به رخسارت پریشان
***
وقتی به جسم کوچه ها عطر عبورت
چون جان رویش درتن سبز بهاراست
نتوان دل دیوانه را گفت
زین کوچه گردی ها چه حاصل
نتوان به گلچین نگه حالی نمودن
کایام سردی فصل گل چیدن نباشد
او رفته زینجا چون بهاران
چیزدگر شایستهٔ دیدن نباشد!
***
ای دلربای تندخو ویرانگر کاشانهٔ دل
دنیای زیبایی چه آباد است از تو
حتی سپاه وحشی خشم
کزچهرهء خوبان همه آثار خوبی را زداید
یورش برد وقتی که برگلزار رویت
این باغ را رنگینی دیگر فزاید
میخانهٔ چشم تراپر ازشراب تلخ جان پرورنماید
***
ای شاه خوبان
افزایش پی درپی زیبابیت را
نتوان جز این تفسیر کردن:
نیرنگ حسن است اینکه چون عشق
از سوختن هاخسته گردد
و اندرطریق جان نثاری
رفتار آن آهسته گردد
از جلوهٔ رخسار تو شمعی فراهش فروزد
تا او دگر بار
با اشتیاق آتشینی
هرلحظه بیش از پیش سوزد!

۲۹-۱۱-۲۰۰۸

### به حجاج باز گشته ازحج

## حاجیان آمدند با تعظیم

حکیم ناصر خسرو بلخی

شاکر از رحمت خدای رحیم
جسته از محنت و بلای حجاز
رسته از دوزخ و عذاب الیم
آمده سوی مکه از عرفات
زده لبیک عمره از تنعیم
یافته حج و کرده عمره تمام
بازگشته بسوی خانه سلیم
من شدم ساعتی به استقبال
پای کردم برون زحد گلیم
مر مرا در میان قافله بود
دوستی مخلص و عزیز وکریم
گفتم او را بگو که چون رستی
زین سفر کردن به رنج و به بیم
تا زتو باز مانده ام جاوید
فکرتم را ندامت است ندیم
شاد گشتم بدانکه کردی حج
چون تو کس نیست اندرین اقلیم
باز گو تا چگونه داشته ای
حرمت آن بزرگوار حریم
چون همی خواستی گرفت احرام
چه نیت کردی اندر آن تحریم
جمله بر خود حرام کرده بدی
هر چه مادون کردگار قدیم
گفت نی گفتمش زدی لبیک
از سر علم و از سر تعظیم
می شنیدی ندای حق وجواب
باز دادی چنانکه داد کلیم
گفت نی گفتمش چو در عرفات
ایستادی ویافتی تقدیم
عارف حق شدی و منکر خویش
به تو از معرفت رسید نسیم
گفت نی گفتمش چو می کشتی
گوسفند از پی یسیر ویتیم
قرب خود دیدی اول وکردی
قتل وقربان نفس شوم لئیم
گفت نی گفتمش چو می رفتی
در حرم همچو اهل کهف ورقیم
ایمن از شر نفس خود بودی
وزغم فرقت و عذاب جحیم
گفت نی گفتمش چو سنگ جمار
همی انداختی به دیو رجیم
از خود انداختی برون یکسر
همه عادات وفعل های ذمیم
گفت نی گفتمش چو گشتی تو
مطلع بر مقام ابراهیم
کردی از صدق واعتقاد ویقین
خویشی خویش را به حق تسلیم
گفت نی گفتمش به وقت طواف
که دویدی به هر وله چو ظلیم
از طواف همه ملائکتان
یاد کردی به گرد عرش عظیم
گفت نی گفتمش چو کردی سعی
از صفا سوی مروه بر تقسیم
دیدی اندر صفای خود کونین
شد دلت فارغ از جحیم ونعیم
گفت نی گفتمش چو گشتی باز
مانده از هجر کعبه بر دل ریم
کردی آنجا به گور مر خود را
همچنانی کنون که گشته رمیم
گفت از این باب هرچه گفتی تو
من ندانسته ام صحیح و سقیم
گفتم ای دوست پس نکردی حج
نشدی در مقام محو مقیم
رفته ای مکه دیده آمده باز
محنت بادیه خریده به سیم
گر تو خواهی که حج کنی پس از این
این چنین کن که کردمت تعلیم



## ظرف چهارسال

# در پارلمان کشور چه گذشت؟

پوهندوی عبدالعلی کوهی / استاد دانشگاه کابل

یکی از اهداف همایش بن در سال ۲۰۰۱ م بازگشت به دموکراسی استقرار ثبات سیاسی، تصویب قانون اسای از طریق لویه جرگه، انتخابات رئیس جمهور از طریق آراء مردم، تشکیل پارلمان، احصائیهٔ دقیق نفوس و در فرجام بازگشت به جامعه مدنی را در کشور تشکیل می داد. از فعالیت شورای ملی چهارسال می گذرد طوری که انتخابات شورای ملی به تاریخ ۲۷ سنبله ۱۳۸۳ برگزارگردید و نتیجهٔ این انتخابات در میزان همان سال اعلام شد ۲۴۹ تن از هموطنان به شورای ملی و تعدادی به مجلس سنا راه یافتند. باید گفت که شورای ملی در افغانستان براساس قانون اساسی متشکل از دو اتاق ولسی جرگه و مشرانو جرگه می باشد.

شورای ملی در ۲۷ قوس ۱۳۸۳ با تشریفات خاص دولتی که از سوی محمدظاهرشاه، شاه اسبق افغانستان افتتاح گردیده بود به کار خود آغاز کرد و از آن تاریخ تا کنون چهار سال می گذرد.

افغانستان در قرن بیستم تجربه و سیستم را در خود داشته است، این پارلمان هرچند عمرکوتاه در افغانستان داشته اما کارهای در خور توجه انجام داده است. طوری که از طریق پارلمان در دههٔ دموکراسی ۱۳۴۲- ۱۳۵۲و هیأت کابینه از این طریق رای اعتماد گرفته اند. ویک سلسله قوانین سودمند، از این مرجع قانونگذاری تصویب گردیده است.

پارلمان افغانستان در شرایطی به کار خود آغاز کرد که موجی از خشونت بحران و بی اعتمادی دراین قلمرو سیاسی حاکم بود و آهن و فولاد بر سرنوشت افغانستان قیصری می راند، جوّ افغانبستان در این مدت ار سایر زمانه ها متفاوت می باشد، هر چند افغانستان در این مدت دارای کابینه و پارلمان گردیده اما نیروهای بین المللی از کشورهای امریکایی و اروپایی به بهانه استقرار امنیت وثبات حضوریافتند که نه تنها این نیروها نتوانستند در جهت ثبات کمک کنند بلکه خود موجب بحران در کشور گردیده اند در یک چنین جوی حاکم، توقع زیاد از پارلمان داشتن دور از انصاف خواهد بود، روی همین منطق، ظرف این مدت پارلمان کشور با مد و جذرهای فراوانی مواجه بوده است.

هر چند در مورد پارلمان می توان سخنان زیاد گفت، اما مردم قبل از همه از خود می پرسند:

آیا این پارلمان، در جهت تحقق دموکراسی گام های مثمر برداشته است؟ آیا این پارلمان وظیفهٔ اساسی خود را به مثابه ارگان قانگذار به خوبی انجام داده است؟ و یاخود به منبع وحشتناک تشنج و بحران سیاسی مبدل شده است؟ باید در برابر این پرسش ها و با درک مسؤولیت تاریخی برخورد کرد. در حالی که تعدادی زیاد از اعضای پارلمان نظر به دلایل سیاسی و اجتماعی در این دو اتاق حضور یافته اند نمی توان از آن ها در حوزهٔ قانونگذاری توقع بزرگ داشت. از آغاز تأسیس این پارلمان بلندگویان آژانس بین المللی موجودیت این پارلمان را یکی از دست آوردهای دموکراسی که به کمک وهمکاری غرب و امریکا در کشور روی کار آمده است، بر می شمارند. روی همین موضوع عناصر ملی گرا در داخل پارلمان با افراد و اشخاصی که گوش به زبان کشورهای زور وزر وسرمایه اند، در یک جدال دایمی به سر برده اند. روی همین ترکیب نا برابر در داخل پارلمان بارها دیده شده است که که این پارلمان به جای تصویب قوانین با کیفیت و خوب، به مشاجرات غیرسود مند پرداخته و در برخی موارد موجب، تشج و بحران گردیده است. طوری که دیده می شود در داخل پارلمان دوشیوه برخورد در برابر تصامیم دولت وجود داشته است، همواره گروه های محافظه کار و گروه های طرفدار نظام زرو سرمایه در مقابل هم قرار گرفته اند.درمیان بحث ها این چنین شیوه های برخورد در میان این تیپ ها وجود داشته است، تعدادی از نمایندگان پیش از این که به منافع افغانستان بیندیشند، به منافع غرب و دوستانی که آنها را براین مسند تکیه داده اند می اندیشند و روی همین برخورد های متضاد بود که سرانجام ملالی جویا نمایندهٔ ولایت فراه به آغوش گرم دوستان دیرینه اش پناه برد واین کار خود هشداری بود به آنچه غربی ها از جامعهٔ افغانستان می خواهند و سرنوشت هر نوع دموکراسی فریب کارانه غرب به چنین سرنوشت محکوم خواهد بود، به یقین تیر جریان محافظه کار افغانستان به ویژه پارلمان آن ها را تشانه خواهد گرفت. افراد به اصطلاح دموکرات که تعدادی از آن ها در پارلمان لانه کرده اند و می خواهند در همه زمینه ها، شاهد تغییرات سریع و بنیادی در کشور باشند، نیز در همین پارلمان به پراگنده گویی می پردازند، به همین گونه در نزد بعضی از نمایندگان در داخل شورای ملی دو دلی، نوسانات و عدم موضعگیری مشخص و روشن وجود دارد، این گروه تصمیم گیری های خود در داخل پارلمان در حصارزبان، قوم و سایر پدیده های منفی سقوط می کنند، تعدادی از این نمایندگان فقط برای خود می اندیشند و برای مستمری ماهوار چشم دوخته اند.

**پارلمان در داخل خود با معضل های جدی نیز رو به رو بوده است که آن غیرحاضری وعدم حضور دوامدار برخی از اعضای ولسی جرگه بوده است که رهبری و هیأت اداری با وجود اصرار زیاد نتوانسته اند به این معضل پایان بخشند. و روی همین مشکل دراکثر اوقات، جلسات مجلس نمایندگان به دلیل عدم تکمیل نصاب، دایر نگردیده است.**

آنچه در این پارلمان از همه بارزتراست، نبود یک اپوزیسیون نیرومند در داخل آن می باشد- هرچند در این پارلمان تک فردی های وجود دارد که همه روزه عملکرد های حکومت را مورد اعتراض قرار می دهند، اما نمی توان آن ها را یک جریان منظم داخل پارلمانی تصویر کرد، زیرا دولت به این اعتراض ها چندان اهتمام نمی نماید. همچنان دراین پارلمان تعدادی خود را به نام گروه خط سوم معرفی کرده اند هم از سوی موافقین وهم مخالفین دولت اعتراض می کنند و مردم تعدادی را نیز به نام طالب در داخل پارلمان می شناسند که سیلقه وشیوه کارشان چندان روشن نیست.

از سوی دیگر چند سرو کله هر از گاهی در رسانه ها بنام اعضای نمایندگان جوان ظاهر می شود مردم فکر می کنند که گویا به نظر آنها جوانی شادابی مایه فضیلت است در حالی که تجربه، تخصص و فکر جوان که همان تغییر و تحول مثبت در جامعه است.

شورای ملی در مدت حیات خویش به تصویب برخی از قوانین دست یازیده است که از آنجمله می توان از: قانون احزاب، قانون اکادمی علوم، قانون حق و چاپ ونشر، قانون کار... نام برد.

پارلمان در داخل خود با معضل های جدی نیز رو به رو بوده است که آن غیرحاضری وعدم حضور دوامدار برخی از اعضای ولسی جرگه بوده است که رهبری و هیأت اداری با وجود اصرار زیاد نتوانسته اند به این معضل پایان بخشند. و روی همین مشکل دراکثر اوقات، جلسات مجلس نمایندگان به دلیل عدم تکمیل نصاب، دایر نگردیده است.

می توان گفت که شورای ملی ظرف این چهارسال با پیروزی ها و شکست های توام بوده است که نمی توان از آن انکار کرد. در پاره یی از موارد این پارلمان توانسته است نقش سازنده و گاهی پرخاشجویانه را در برابر دولت اتخاذ نماید، ازجمله پارلمان توانست به چند وزیر پیشنهادی از سوی دولت جواب رد بدهد که از آن جمله می توان از دکتر سیدمخدوم رهین ودیگران نام برد، از سوی دیگر چند وزیر نسبت عدم کفایت کاری از سوی مجلس سلب اعتماد شدند که می توان از وزیر مهاجران و وزیر خارجه نام برد که وزیر خارجه با حمایت رئیس جمهور با وجود اصرار های زیاد مجلس نمایندگان به کارش ادامه داد و تنش میان رئیس جمهور و مجلس نمایندگان به نفع رئیس جمهور انجامید.

همچنان برخی از اعضای شورا از سوی نهادهای قضایی به همدستی با قاچاق چیان و دلالان زمین و سوء استفاده از سرمایه های ملت، متهم گردیده اند و به همین گونه اعضای شورای ملی برخی از اعضای کابینه وکارمندان عالی رتبه و برخی والیان را متهم به فساد و غصب سرمایه های ملی نموده اند که به این سخنان از سوی هیچ یک از ارگان های دولتی ترتیب اثر داده نه شده است. در سال گذشته مجلس نمایندگان قربانی های خونباری را متحمل شده است که به گفته تحلیل گران سیاسی در پشت این حوادث خونبار، اهداف سیاسی نهفته بوده است، شهادت شش تن از اعضای کمیسیون اقتصادی مجلس نمایندگان، من جمله شهید مصطفی کاظمی از جمله خونین ترین حوادث حیات شورای ملی محسوب می شود. و تحقیق حکومت در این خصوص به کدام نتیجه ملموسی منجر نشده است، در مجموع نه تن از اعضای شورای ملی ظرف این سال ها به قتل رسیده اند که میزان تشنج و خشونت را در افغانستان نشان می دهد. درمیان اعضای شورای ملی حساسیت های زبانی و فرهنگی نیرومند شده است. این موضوع در تصویب قانون تحصیلات عالی بازتاب یافت. برخی از نمایندگان با طرح پیشنهادی دولت به مخالفت برخاستند که در نتیجه قانون مذکور به تصویب نرسید. اگر به این مشکل جانب دولت از حزم ودور اندیشی کار نگیرد، بیم آن می رود که این موضوع مشکل سازنده گرهی دیگر به مشکل افغانستان افزوده خواهد شد.

# تعقیب جنایتکاران وجانیان در عراق و افغانستان را نمی توان جنگ نامید

نویسنده: روز بیوکلی، پروفیسور حقوق در دانشگاه نیو سوت ویلز استرالیا
نشر: روزنامه کنبرا تایمز ترجمه : ا.ج

ایالات متحده امریکا بعد از واقعه ۱۱ سپتمر ۲۰۰۱، اعلان جنگ را علیه تروریزم صادر نمود و ماهم بدون تاخیر در این جنگ سهیم شدیم. اگراز کلمه جنگ افاده درست آنرا در نظر بگیریم، اعلام جنگ می تواند علیه یک ملت و یک کشور بوده باشد، نه علیه یک گروه جنایتکار. به هرصورت اعلام جنگ صادر شد و از الفاظ وکلمات قاطع در زمینه استفاده به عمل امد. و ارتقای کلمۀ "تعقیب جنایتکاران" به واژه "جنگ"، سهولت بیشتری را در پیشبرد جنگ وسیعتری در عراق و افغانستان در پیش داشت.

از آنجایی که تونی بلیر و جان هاورد دیگر در مسند قدرت نیستند، و همچنان تغییر قدرت در امریکا در ماه جنوری ۲۰۰۹ این شانش را مهیا ساخته است که ما دیگر از کلمۀ بی مفهوم "جنگ" استفاده نکنیم، و این را به نام چیزی که هست بنامیم، یعنی تعقیب جانیان و جنایتکاران. کالم نویس معتبر نیویورک تایمز، تامس فریدمن، نوشته است که: "۱۱ سپتمر ۲۰۰۱ معادل به جنگ جهانی سوم – سومین چلنج بزرگ تمامیت خواهی برای بازگشایی جوامع، در ۱۰۰ سال اخیر است". معادل ساختن و یا مساوی ساختن جنگ علیه تروریزم، به جنگ جهانی اول و یا جنگ جهانی دوم خیلی خطرناک است. چون در جنگ جهانی اول بیشتر از ۱۰ میلیون انسان و در جنگ جهانی دوم بیشتر از ۵۰ میلیون انسان کشته شده، ولی از سال ۲۰۰۰ تا حال کمتر از ۵۰۰۰ انسان در حملات تروریسیتی کشته شده اند. فریدمن استدلال می کند که خطر گروه های جنگجوی اسلام گرا جدی تر از خطر شوروی سابق، زمان جنگ سرد است. به خاطری که تروریزم اعتمادی را که از شاخص های برجسته، جامعه باز است، خدشه دار می سازد. با وجود این که اعتماد خدشه دار شده است ولی عملکرد حکومت های ایالات متحدۀ امریکا، انگلیس و استرالیا با وضع قوانینی، آزادی های اساسی مدنی را تضعیف نموده است.

این که ۱۱ سپتامبر همه چیز را تغییر داده، بیشتر یک حالت روانی است که حکومت امریکا تبلیغ نموده، ولی اگر ارقام را روی کاغذ بگذاریم، می بینیم که در سال ۲۰۰۱ در حدود ۳۰۰۰ انسان در حادثۀ غم انگیز مرکز تجارت جهانی کشته شدند، ولی ۲۸۰۰۰ نفر در رخدادهای استعمال تفنگ و بیشتر از ۴۳۰۰۰ انسان در حوادث ترافیکی و رانندگی در جاده های امریکا کشته شده است. سؤال این جاست که آیا مردن در حملۀ تروریستی هولناکتر از مردن با فیر تفنگ و یا در حادثۀ ترافیکی است؟ اگر امریکا علیه تروریزم می جنگد، پس چرا به خاطر کاهش واقعات ترافیکی نمی جنگد؟ در حالی که توجه کمتری در جهت آگاهی و تعلیم و تربیه صورت گرفته و مجازات سهلتری علیه رانندگانی که تحت تأثیر الکول، رانندگی می کنند وجود دارد. در سال ۱۹۷۰ رانندگی در استرالیا خطرناکتر از امریکا بود، ولی امروز آمار مرگ و میر مربوط به واقعات ترافیکی به ۹ نفر کشته در هر ۱۰۰،۰۰۰ نفر است در حالی که در امریکا ۱۵ نفر در هر۱۰ نفر است. تعلیم و آگاهی همانند استرالیا می تواند ۱۷۰۰۰ نفر را در سال از مرگ نجات دهد. همچنان جنگ علیه ترور، مخارج غیر مترقبۀ دیگر هم در پی داشته است که تیم فیشر، وزیر تجارت و معاون صدر اعظم اسبق استرالیا بر این عقیده است که: "جنگ علیه تروریزم" یکی از دلایل سقوط مذاکرت تجارتی در دوحه- قطر بود، چون توجه حکومت ها به چیز های دیگر معطوف گردید.

کشور های عربی از کاروان توسعه و ترقی عقب مانده و به اساس مطالعات مؤسسۀ بروکنگ، تقریباً نیمی از نفوس مسلمانان در جهان بی سواد هستند و در شرق میانه، دسترسی به انترنت کمتر ازمناطق صحرایی افریقا بوده و مجموع عواید خالص داخلی ۲۲ کشور عربی به شمول کشورهای نفت خیز خلیج کمتر از نصف عواید اسپانیا است. ولی مسألۀ قابل تشویش، روند توسعه و انکشاف در کشورهای عربی است که به صورت عموم کمتر از کشور های در حال رشد است. بناءً اگر ما بخواهیم ریشۀ سربازگیری را برای سازمان های تروریستی بخشکانیم، باید در انکشاف و توسعۀ ملت های اسلامی کمک کنیم و باید در عمل ثابت نماییم که این کارا می کنیم چون رشد اقتصادی غیر معتدل بین کشور های غربی و ملت های مسلمان باعث ایجاد فاصله گردیده، نفرت و انزجار را در بین گروه های تروریستی تقویه نموده است.

به طور مثال غرب مدارس مذهبی در افغانستان را، به خاطر تدریس اسلام تعصب گرا انتقاد می نماید، ولی کجاست مکاتبی که توسط حکومت های غربی به خاطر تدریس و تعلیم علوم ساینسی و غیره اعمار شده که والدین اطفال انتخاب آن را داشته باشند که اولاد خویش را آنجا بفرستند؟ مدارس دینی یگانه وسیلۀ تعلیم و هم جای دریافت غذا برای خانواده های بی بضاعت است. در این شک نیست که والدین بهترین را برای اطفال خود می خواهند ولی زمانی که همین مدارس یگانه وسیلۀ تعلیم و هم جای دریافت غذای رایگان باشد، پس چه چارۀ دیگر وجود دارد. اگر بدیل دیگری برای والدین وجود داشته باشد، و تعلیم دیگری که بتواند آیندۀ اطفال شان را تضمین کند و کار بهتر پیدا کنند، بدون شک آن را انتخاب خواهند نمود. با بخش اندک از هزینۀ مصارف تعهدات نظامی در افغانستان ما می توانستیم تعداد زیادی مکاتب را بسازیم و هم می توانسیتم غذا برای دانش آموزان آماده نماییم.

همچنین به اساس مطالعات مؤسسۀ بروکنگ، جنگ۱۱ سپتامبر با اشغال مناطق و یا گرفتاری افراد به پیروزی نمی رسد، این جنگ زمانی به پایان خواهد رسید که غرب و جوامع اسلامی همدیگر را در مقابل همدیگر نه، بلکه در همکاری با هم و در جهت رسیدن به هدف مشترک ببینند. به عبارت دیگر، کلید پیروزی در جنگ علیه تروریزم در "حوزۀ برداشت و بینش" است. عدالت ندای اسلام است و ما باید نشان بدهیم که از اسلامیون متعصب عادلانه تر عمل می کنیم و باید این را در عمل به اثبات برسانیم. بناءً در قدم اول برای کیفن راد، گوردن براون و باراک اوباما ضروری خواهد بود که از صحبت راجع به جنگ علیه تروریزم باز ایستاده و راجع به تعقیب و به محاکمه کشانیدن جنایتکاران و ترغیب و تشویق عدالت اقتصادی برای ملت های مسلمان صحبت نمایند.

# ماندگاری ملت های در گرو بحران چیست؟

قسمت سوم پایانی

سیدعنایت الله شاداب استاد دانشکدۀ شرعیات

وحدت و یگانگی ملت های مسلمان و یا امت اسلامی را عوامل بی شماری به چالش گرفته اند که نمی شود آن را نادیده انگاشت و اعتراف به آن اعترافی است به واقعیت که در زیر به آن ها اشاره می شود:

۱- عدم توجه به ارائۀ خدمات دینی توسط منبع واحد و مشخص و انجام این گونه وظایف و خدمات توسط افراد و گروه های مختلف و فقدان زعیم و مرشد مورد پذیرش همه گروه ها و افراد منجر به آن گردیده که هر گروهی با اتخاذ روش های جداگانه، به انجام این خدمات و مسؤولیت ها بپردازد.

برخی در هر روستایی، مدرسه یی را برای حفظ قرآنکریم برپا داشته اند، برخی هم به نشرو پخش کتاب های اسلامی و قرائت آن ها پرداخته و برخی دیگر به تربیه وتنویر آنان به این فرهنگ والا کمر بستند و گروه های هم مشغول کارزار سیاست اند و بدون شک هرگروهی برای این ملت خدمتی را انجام داده ودرخدمت دین وامت اسلامی قرار داشتند ولی با روش های مختلف.

۲- تلقی هر یک از این گروه ها به حیث "مجدد" - اگر چه به نیت پاک هم باشد- منجر به اختلاف و صف گیری ها گردیده است، زیرا مفهوم مجدد که در ذهن و فکر مسلمانان ریشه دارد- به کسی اطلاق می شود که با علم وعمل خود در عصر پرآشوب و دشمنی به دین مشهور گردیده و رهروانی دارد و چنین شخصیت های درعصرهای مختلف موجود می باشند، اساسا مجدد به کسی اطلاق می شود که توجیه وتربیه فکر و روح توده ها را در محراق توجه خویش قرار داده و روح تحرک را در زندگی اجتماعی آنان میدمد.

آری! گرچه این کار در رابطه به پیروان یک مجدد اشکال نخواهد داشت، مگر وسیله خواهد شد برای اختلاف در میان نا آگاهان و اشخاص ساده.

۳- افزون برآن چه گفته آمد، نباید نقش نیروهای بیرونی را که آتش تفرقه را در میان ملت های مسلمان دامن می زنند، از حساب خویش دورسازیم، واقعتی که نباید از نظر دور داشت این است که بسا همسایگان ما وملت های دیگر ما را نخواهند گذاشت.

اکنون خطر نسبت به گذشته تغییر کرده است، اگر در گذشته از بیرون مورد تهدید قرار می گرفتیم، حالا از درون هم آسیب های متوجه می باشد و مقاومت اکنون در برابر آن نسبت به گذشته بسیار مشکل شده است.همان گونه که سقوط اخلاق که چون و با در همه ابعادجامعه ما تسری نموده وهمه



پایه های حفظ جامعه ما را نا بود کرده است.

نسل کنونی ما که از طریق غرس نمونه های اخلاق لادینی و سکولری، کمونیزم، خلع احترام به مقدسات گردیده است، قربانی چنین یک فکر و روح مسخ شده گردیده و در انارشیزم اصطلاحات و روش ها غرق گردیده است.

هیچکس مدعی آن نخواهد بود که این انارشیزم و آمیزۀ خوب و خراب در عرصۀ فکر در نسل ما اثر گذار نمی باشد و موضوعی است قابل دقت و بحث.

نباید از این امر چشم پوشی کرد که ظهور تعصب در برخی رده های فاقد پختگی روحی و فکری لازم واقعیتی است ملموس که منجر به برخوردهای داخلی گردیده است و بدون شک چنین پدیده در جامعه بدون این که قصدی دراین زمینه موجود باشد، به اهداف زشت دشمنان کمک خواهد کرد.

گروه های اسلامی در ترکیه و دیگر کشورهای اسلامی آماج خطرهای از این طراز می باشند که ذیلا به آن ها اشاره میشود:

۱- شهرت طلبی، در نزد برخی چنین گروه هایی باعث ایجاد رقابت درمیان این گروه ها شده است.

۲- تلاش برای نابودی گروه های دیگر با بهانۀ مبارزه با شعار اسلام.

۳- چشم داشت به دست آورد هر اقدامی ولو کوچک حال آنکه امکان دارد نتیجه آن دراین زندگی بدست نیاروده و در روز پسین آن را به دست آورد.

۴- ایجاد گروه ها برای ضربه زدن به فعالیت های مثبت گروه های دیگر، تا جانشین آن گروه گردد اما در اثر کشمکش های به میان آمده بین آن ها همه تلاش های که آن گروه انجام داده، نقش برآب گردد.

۵- به جای آن که این گروه دست به ارائۀ خدمت به مردم بزند، وقت خویش را در دشمنی با دیگران سپری کرده فکر می کند می تواند از این طریق به موفقیت دست یابد.

افزون بر آن چه گفته شد می توان از عدم اشباع روح انسان معاصرما یاد کرد که او را متمایل و منقاد برخی منظومه های فکری کرده و باعث گردیده است که او را از قلب و وجدانش دورسازد.

به همین گونه وقتی که انسان دوران ما از یک طرف انگیزه های درونی و وجدانی خود را از دست میدهد، از طرف دیگر توسط گروه انگشت شماری و یا گروه مرفهی که در یک زندگی مرفه حیوانی به سر می برد، توجهش به زندگی حیوانی و تمایلات شهوانی جلب می شود که او را از خط استقامت اسلامی اش دور می سازد و این چیزی است قابل دقت و ایجاب می کند که باید پیرامون آن به تامل پرداخت.

هم یوازي د طالبانو یو
پراخه مقاومت پیل شوې چې له
یوې خوا یې د پاکستان دولت ته
چې د امریکا ملاتړ ورته حاصل
دی، ګواښ پېښ کړی او له بلې
خوا یې ناټو ته هم ګواښ پېښ
کړی چې خپلو ځواکونو ته د
نظامي مرستو په رسولو کې یې
وروسته ستونزې ولاړې کړېدي.
د پاکستان هېواد چې دا مهال له
دریو لوریو له سخت فشار لاندې
دی؛ په سیمه کې (افغانستان)
کې د ناټو تر قیادت لاندې د
ایتلافي ځواکونو شتون څو
ترهګري وخپې او د پاکستان په
قبایلي سیمو کې د خپلو
مخالفینو پسې لټون په پاکستان
باندې لومړی فشار دی او د
امریکایي برلاسی او په سیمه
کې د امریکا او لویدیځوالو د
تسلط پرخلاف پخپله د
پاکستاني طالبانو لخوا
راټوکېدلی طالبي غورځنګ او
پراخه مقاومت پرې دوهم فشار
دی، چې د پاکستان دولت یې د
ډانګ او پړانګ ترمینځه
ودرولی دی. او نږدې یوه میاشت
وړاندې د بمبایې په ښار کې د
"تاج محل" په شمول په څو سترو
هوټلونو د لسو تنو په شاوخوا
کې کسانو لخوا وروستي
عملیات - چې سیاسي شنونکي
یې د (۲۰۰۱) میلادي کال د
سپتمبر د یولسمې نېټې له هغو
عملیاتو سره ورته ګڼي چې د
نړیوال سوداګریز مرکز یوسل
اولس پوړیزه ودانۍ یې ونړوله -
د پاکستان په هېواد باندې دریم
فشار دی؛ ځکه د هند حکومت
د دغه ترهګرو عملیاتو پړه په
پاکستان اچوي او وایي چې د
تورنو کسانو غټه برخه د
پاکستاني تابعیت لرونکي دي
او ویلي کېږي چې د لشکر طیبه
له ډلې سره تړاو لري، دا چې د
هند دولت په خپله ادعا کې
څومره پیاوړی دی، مونږ پرې
ډېر څه نه وایو؛ ځکه دا د
پاکستان او هند ترمینځه له څه
د پاسه شپیتو کلونو راهیسې
نانډرۍ دي چې ته د هند او
پاکستان له انګلیسي ښکېلاک

# له ګاونډیانو سره د پاکستان سیاسي وضعیت او ناټو ته ور پېښ چېلنجونه

شفیق

**د کرزي له خوا د غازي امان الله خان د مډال ورکول هم له دوه اړخیزه تعزیت او خواخوږۍ پرته بله معني نلري؛ ځکه لکه چې بوش نور د واک له ګدۍ کوزېدونکی دی، داسې د کرزي هم ستوری نور ډوبېدونکی دی. او ښایي چې د بوش لخوا کرزي ته د ورکړای شوو ویاړونو هغه بعد دي چې له پخوا څخه یې پرې منلی وه.**




څخه د آزادۍ پر مهال د دین او
ایډیالوژۍ پر بنیاد د دغو
هېوادونو د ویش په سر
رامینځته شوي او پرې د دواړو
هېوادونو ترمینځه تر دا مهاله
درې جګړې هم شوي دي.

خو پاکستان ته په داخل
کې له طالب مقاومت او په سیمه
کې د امریکایي ایتلافي
ځواکونو لخوا د دغه هېواد په
قبایلي سیمو باندې د توغندیو
او بې پیلوټه الوتکو لخوا د
بمباریو له فشار وروسته د هند
د دولت لخوا په پاکستان باندې
د تورنو کسانو هغه هېواد ته د
سپارلو فشار بل ګواښ دی چې
پاکستان یې د ستونزو له یو
مثلث سره مخ کړېدی، خو
پاکستان تر دا مهاله د دریواړو
چېلنجونو سره مقابله کوي چې د
لومړنیو دواړو چېلنجونو او
فشارونو وجود خو د هګۍ او
چرګې د لومړي پیدا کېدو
پوښتنه او معما ده. مګر د

پاکستان په خاوره کې په قبایلي
سیمو کې د ناټو ځواکونو ته په
مرسته رسوونکو لاریو او ټرکونو
د مقاومت کوونکو او دولت
مخالفو اورپکو لخوا حملې او

وخت پر وخت د دغو لاریو
سوځول چې په دې وروستیو کې
د ناټو نږدې هغه درې سوه ګاډي
چې جنګي مهمات او ټانکونه هم
په کې شامل ؤ په ترمینل کې د
ننه پرې توغندي ورول او سوځول
یې ناټو له یو ستر چېلنج سره مخ
کړېده؛ ځکه په پاکستان باندې
د کراچۍ له لیارې د ناټو
ځواکونو ته او همدارنګه د
افغانستان دولت ته د خوراکي
موادو، تېلو او نظامي مرستو او
وسایطو را رسول یوازینۍ لیار
وه چې د مسافې د کموالي او
لیارې د آسانتیا لامله پرې کم
لګښت راتللو او هره ورځ یوازې
د ناټو ځواکونو ته د سلو په
شاوخوا کې لاریو او ټرکونو د
اړتیاوو مواد را رسول چې د ناټو

اړوند ترمینل کې د دغو وسایطو
او ټانکونو سوځولو او هم په څو
ځله په خیبر ایجنسۍ کې د دغو
کاروانونو د سوځولو وروسته
دغو لاریو او ټرکونو د شمېر
کچه هم اوس یوازې له څلوېښتو
څخه پنځوسوته رارسیدلې ده او
د بلې خوا په دې وروستیو کې
هغه شرکتونو او کمپنیو هم د

دې سامانونو او وسایطو له وړنو
څخه انکار وکړ چې پخوایې په
تضمین سره افغانستان ته
رارسول او دا ځکه چې پر ترمینل
د ولاړو وسایطو، کانټینرونو او
لاریو او هم څو ځلې په لیار کې د
هغو سوځولو دغو کمپنیو او
شرکتونو ته تاوان رسولی چې
لامله یې اوس د هغې راوړلوته
زړه نه ښه کوي، د کوم لامله چې
ناټو د بدیلې لیارې په لټه کې ده
او ناټو غواړي چې د پاکستان د
لیارې سره سره یوه بله لیار هم
پرانیزي چې هغه به د منځنۍ
آسیا د هېوادونو له لیارې د
کندز او حیرتان په لیار او بندر د
دغو شیانو را رسول دي لکه چې
د اړتیا وړ شیانو له جملې څخه
د یو څه تېلو او ګازو رارسونه

اوس هم له همدې هېوادونو څخه
په دې لیارو کېږي نو په
راتلونکې به نور شیان هم له
همدې لیارې رارسولی کېږي.
خو دلته یو شي د یادونې وړ دي
چې که دغه بدیل لیار استعمال
هم کړای شي نو له یوې خوا
دغې لیارې د کراچۍ د لیارې
په څېر آسانه ندي ځکه د کراچۍ
تر بندره دغه درانه سامانونه په
آسانه او لږ لګښت رارسېږي چې
د (۱۹۶۵) کال راهیسې دغه
معاهده د پاکستان او
افغانستان هېوادونو ترمینځه
موجوده ده او د بلې خوا لکه چې
د خیبر ایجنسۍ په لیار دغه
سامانونه د امنیت له ګواښ سره
مخ دي چې ډېره کمه لیار هم ده.
د دې پوره ډاډ نشته چې د
شمالي ګاونډیو هېوادونو له
لیارې چې ټوله وچه لیار ده او
اوږده هم ده، د افغانستان په
داخل کې دې په دې اوږد او
سخت سړک باندې دغه
سامانونه، لارۍ او کانټینرې
خوندي راورسیږي، نو ځکه ناټو
د ترهګرۍ پرخلاف په نامه وایي
جګړه کې له یو ستر چیلنج سره
مخ شوې ده چې ښایي د جورج
ډبلیو بوش افغانستان ته د
وروستي سفر یو ګرندی لامل دا
هم اوسي څو د افغانستان د
چارواکو سره له نږدې څخه په
دې اړه فکر وکړي او ځکه خو په

نامترقبه ډول له عراقه وروسته
افغانستان ته راغی. چیرې چې
نوموړی د یو ژورنالیست لخوا د
بوټ په ویشتلو سره استقبال
شوی و او دلته د غازي امان الله
خان په مډال ورکولو سره، چې
بوش ته د هغه د واکمنۍ په
وروستي وخت کې چې نور یې
باد وتلي دي - د کرزي له خوا د
غازي امان الله خان د مډال
ورکول هم له دوه اړخیزه تعزیت
او خواخوږۍ پرته بله معني
نلري؛ ځکه لکه چې بوش نور د
واک له ګدۍ کوزېدونکی دی،
داسې د کرزي هم ستوری نور
ډوبېدونکی دی. او ښایي چې د
بوش لخوا کرزي ته د ورکړای
شوو ویاړونو هغه بعد دي چې له
پخوا څخه یې پرې منلی وه.

## یازده و نیم میلیون لیترتیل برای تنویر شهر کابل ...

آقای محمد سرور اضافه می کند که درسال های گذشته ۴۶مترمکعب آب در ثانیه وارد بند نغلو می شد، اما امسال به دلیل خشک سالی این رقم به ۱۲ مترمکعب آب تقلیل یافته است.او می گوید سال گذشته تولید برق ازهمین بند ۷۶ میگاوات بود، امسال به دلیل کمبود آب تولید ۳۸ میگاوات رسیده است.

رئیس برق کابل گفت: منبع دیگری برق در کابل از منابع حرارتی است. توربین های برق حرارتی که در کوتل خیرخانه نصب است و فعالیت دارد، دو توربین آن درهر ساعت به ۱۸ هزار لیتر تیل ضرورت دارد. اما نسبت کمبود تیل، دستگاه ها به شکل وقفه ای فعالیت دارد.

از آقای صدیقی پرسیده شد نیاز شهریان کابل در کل چند میگاوات برق است و در حال حاضر چه مقدار تولید برق وجود دارد؟ گفت: شهرکابل حداقل به ۳۰۰ میگاوات ضرورت دارد، در حالی که ما برای فعلاً ۱۱۵ میگاوات برق تولید داریم.

آقای صدیقی می گوید: بنا بر عواملی که تذکر دادم چندی پیش دو شب بعد مردم، برق داشت اما در این روزها سه شب در میان، شب چهارم از ساعت پنج تا ده شب، برق به مردم عرضه می گردد.

اما این که این روند، می تواند، قناعت مردم را فراهم کند و تا به کی مردم در تاریکی زندگی کنند وآیا راه برون رفتی دیگر وجود دارد؟

آقای صدیقی اظهار نمود: مشکل مردم ازناحیهٔ برق کاملاً ملموس است، دولت کمیسیونی را توظیف نمود و طی چهار جلسه راه برون رفت را جستجو کردند که خوشبختانه اداره انکشافی امریکا آماده شد، تا مقدار یکصد هزار لیتر تیل را به دستگاه حرارتی انتقال نماید. این پروسه، از روز دوشنبه همین هفته شروع شد و درقسمت هایی از شهر در پرچوی های برق کاهش به عمل آمده است.

به گفتهٔ آقای صدیقی برعلاوه یکصد هزار لیتر تیل ادارهٔ انکشافی امریکا، دولت ده و نیم میلیون لیترتیل را از منابع مختلف برای تنویر شهر کابل در زمستان امسال آماده نموده است.

قابل ذکراست در گفتگویی که سه ما ه قبل با آقای بارکزی معین مسلکی وزارت انرژی داشتم گفته بود، برق انتقالی ازبیکستان دو ماه بعد به کابل می رسد اما باگذشت سه ماه از این وعده ها تا کنون هیچ خبری از برق ازبکستان نیست. آقای صدیقی علت به تأخیرافتادن این پروژه رًا مشکل تخنیکی و مالی عنوان کرد وهرگونه کارشکنی هایی که گفته می شد ناشی از مسایل سیاسی بوده باشد را، رد کرد.

در همین حال اکثر مردم به این باورند که مسؤولان برق بنا به مسایل خویش خوری ها و روابط، در امر توزیع برق به شکل عادلانهٔ آن کار نگرفته در روند توزیع، نوعی تبعیض از بالا به پایین وجود دارد.

بنا به گفتهٔ آقای صدیقی برای شهرکابل ۳۰۰میگاوات برق کفایت می کند. اکنون که ۱۱۵ میگاوات تولید می شود باید در۲۴ساعت حدود ۱۰ ساعت برق به خانه ها برسد در حالی که طبق اظهارات موصوف در۱۰۰ساعت ۵ ساعت برق یعنی در۲۴ ساعت یک ساعت برق توزیع می شود.

هفته نامهٔ

وآنان که در راه ما با جان ومال جهادکنند محققاً آنان رابه راه خویش هدایت می‌کنیم و همیشه خدا یار نیکو کاران است
قرآن کریم

# مجاهد

ارگان نشراتی جمعیت اسلامی افغانستان

● مجاهد می تواند مطالب را ویرایش کند.
● مطالب آمده مسترد نمی گردد.
● آرا واندیشه های مقالات غیر از سرمقاله لزوماً مبین آرا ومواضع جمعیت نیست.

**شعار ما**

رضای خداوند(ج) هدف ما
حضرت محمد(ص) رهبر ما
قرآن قانون ما
جهاد راه ما
شهادت در راه خدا از عالی ترین آرزوهای ماست

دور ششم – سال هفتم – شمارهٔ بیست و هشتم شنبه ۳۰ قوس ۱۳۸۷- ۲۲ ذوالحجه ۱۴۲۹ - ۲۰ December ۲۰۰۸

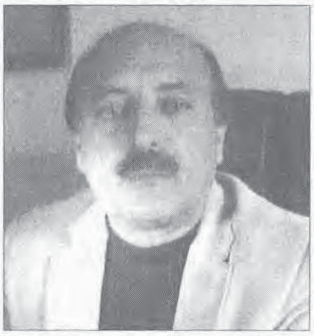
رئیس برق کابل:

# یازده و نیم میلیون لیترتیل برای تنویر شهر کابل در زمستان امسال در نظر گرفته شده است

گزارش از: عنایت

درآستانهٔ فرا رسیدن، فصل سرما، وضعیت برق، چگونگی توزیع و پرچوی های دوام دار، در شهر کابل حالت ناگواری دارد و هموطنان عزیزما از این بابت سخت شاکی اند.

به همین مناسبت سری زدیم به دفتر رئیس برق کابل تا موضوع را ردیابی و با وی درمیان بگذاریم و از وی علت اصلی را جویا شویم. ساعت نه قبل از ظهر روز پنجشنبه ۲۸ قوس، وقتی وارد دهلیز دفتر رئیس برق کابل شدم برقی وجود نداشت، تاریکی همه جاه را فرا گرفته بود. چنان معلوم می شد که وقتی ساختمان را می ساختند بنا بران بوده است که باید توسط برق روشن گردد، این روزی را که ساختمان



ریاست کابل، برق نداشت پیش بینی نکرده بودند. به مشکل از کسی که ظاهراً معلوم بود پیادهٔ دفترباشد پرسیدم دفتر رئیس صاحب کدام است؟ دستم را گرفت مثل یک

آدم نابینا وارد دفتر شدیم. سکرتر رئیس مایل نبود من، با آقای رئیس صحبت کنم. اما بعد از اصرار زیاد، موضوع را به رئیس انتقال داد و خوشبختانه رئیس بنده را اجازه داد وارد دفترش شوم. از انجنیر محمد سرور صدیقی رئیس برق کابل، علت و عوامل پرچوی ها و چگونگی توزیع برق را پرسیدم آقای صدیقی گفت: برق سه مرحله دارد که عبارت از تولید، انتقال و توزیع می باشد، ریاست برق کابل مسؤولیت توزیع برق را دارد؛ اما بنا بر عواملی که یکی از آنها خشک سالی های دوام دار در افغانستان است، سطح آب دربند نغلو پایین آمده، تولید برق کم است. بنا به گفتهٔ وی آن ریاست نمی تواند این برق ناچیز را گویا ادامه در ص۷

## سه رخداد مهم در دو هفته ...

آیا واقعاً طالبان به این باور اند که تا کنون بیست هزار سرباز امریکایی در افغانستان کشته شده است؟ می دانیم که بزرگنمایی یکی از مشخصات هر جنگ است. کم نشان دادن تلفات خودی و زیاد نشان دادن کشته های دشمن بخشی از جنگ روانی است.

**سه صد سرباز جدید انگلیسی**

سفر گوردون براون صدراعظم انگلستان به کابل به دنبال کشته شدن سه سرباز این کشور در هلمند با اعلام اعزام سه صد سرباز جدید به افغانستان همزمان بود. براون موسی قلعه را یکی از مثال های نمایان از موفقیت بازسازی در این ولایت آشوب زده خواند. نیروهای انگلیسی سه سال قبل با خروج از ولسوالی موسی قلعه، به طالبان مجال حاکمیت به این ولسوالی را فراهم کردند که با انتقادهای شدید از طرف دولت افغانستان مواجه شد. سرانجام این ولسوالی طی یک عملیت مشترک نیروهای خارجی و اردوی ملی مجدداً از کنترول طالبان خارج شد.

جریانات موسی قلعه نشانی از اختلاف میان امریکا و انگلیس تلقی گردید و حتی دو تن از اتباع کشور انگلیس به خاطر ارتباط با طالبان از افغانستان اخراج گردیدند. اما به نظر می رسد که کارهای پشت پردهٔ مایکل سمپل و ماروین زیاد هم بی تأثیر نبوده است. در پایان جنگ موسی قلعه، ملاعبدالسلام یکی از فرماندهان محلی طالبان به دولت پیوست و به حیث ولسوال موسی قلعه منصوب شد.

سفیر اخیر گوردون براون به افغانستان تأکید دیگری به حمایت انگلستان از افغانستان است. اما این که قرار است این کشور سه صد سرباز جدید به افغانستان بفرستد به چه معنی است؟ وقتی هزاران سرباز این کشور در جنگ علیه طالبان در ولایت هلمند زمینگیر شده اند، ازدیاد سه صد سرباز به این تعداد جز بیشتر از یک اقدام سمبولیک چیزی نیست. در شرایطی که کشور های دیگر عضو ناتو تمایلی به ازدیاد سربازان شان در افغانستان ندارند، این اقدام انگلستان جواب مثبت به خواست امریکا است، اما جوابی نیست که در نتیجهٔ کار تأثیر ملموسی از خود برجا بگذارد.

**از غازی امان الله خان تا بوش**

جورج بوش در سفری که آخرین سفر وی در دوران تصدی ریاست جمهوری اش به افغانستان خوانده شد، به دعوت حامد کرزی به افغانستان آمد. بوش پس از سفر به بغداد که در آنجا در جریان یک کنفرانس مطبوعاتی با پرتاب کفش یک خبرنگار مواجه شد، به کابل آمد.

منتظر الزیدی خبرنگار جوان شبکهٔ تلویزیونی البغدادیه با این کار ناگهان از عنوان یک خبرنگار گمنام، به مقام قهرمان ملی مردم عراق مبدل شد. مردم عراق چه شیعه و چه سنی علیه دستگیری این خبرنگار دست به تظاهرات زدند و پرچم های امریکا و اسرائیل را به آتش کشیدند.

پرتاب کفش به سوی بوش و استقبال مردم از این اقدام، نشان از نفرت مردم از بوش و سیاست های این کشور در قبال مسلمانان به خصوص مردم عراق دارد. هرچند در افغانستان رئیس جمهور کرزی با دادن مدال غازی امان الله خان از بوش استقبال کرد، اما مردم در این مورد با کرزی موافق نیستند. حتی در پارلمان کشور نیز جمعی از وکلا از این که به شخصی چون بوش که سمبول تجاوز به کشور های دیگر است، مدال غازی امان الله خان که قهرمان استقلال افغانستان به شمار می آید داده شد، ابراز مخالفت کردند. مردم این کار را توهین به شاه امان الله خان می دانند.

**اما زرداری؟!**

روز جمعه آصف علی زرداری رئیس جمهور پاکستان که قرار بود به کابل بیاید و حتی روز پنجشنبه وزیر خارجهٔ آن کشور در رأس یک هیأت کاری برای تنظیم اعلامیهٔ مشترک میان رؤسای جمهور دو کشور به کابل آمده بود، اما چنان نشد بلکه سفر زرداری به اساس اعلامیهٔ مطبوعاتی دفتر سخنگوی رئیس جمهور به دلیل خرابی هوا به تعویق افتاد.

قابل یاد آوری است تاریخ اعلامیهٔ دفتر مطبوعاتی ریاست جمهوری در این ارتباط، ۷ اسد برابر با ۲۸ جولای ۲۰۰۸م درج شده است.

از برکناری جنرال مشرف به بعد که در پاکستان حکومت منتخب به میان آمده، روابط در سطح حکومتی میان دو کشور بهبود محسوسی یافته است.

بی نظیر بوتو اندکی قبل از کشته شدنش در ملاقات با کرزی به وی وعده داد که در صورت رسیدن مجدد به مقام صدارت پاکستان، در مبارزه علیه تروریسم با افغانستان به صورت مشترک کار خواهد کرد.

اکنون وضع در پاکستان از آن زمان بدتر شده است. کاروان های اکمالاتی نیروهای خارجی در مسیر راه در داخل خاک پاکستان مورد حمله قرار می گیرد. این مسئله نگرانی امریکا را بیشتر ساخته است.

وضعی که در پاکستان و افغانستان حاکم است به مراد دو رئیس جمهور نیست. در افغانستان نیروهای خارجی با وجود اعتراضات مکرر کرزی به کشتار غیر نظامیان ادامه داده اند واین کار موجب بی اعتبار شدن وجههء دولت افغانستان در نزد مردم شده است. در پاکستان هم دوام نا امنی ها نیاز به فعالیت های نظامیان را ناگزیر ساخته است. دو رئیس جمهور هیچ قدرتی در برابر نیروهای نظامی بی مهار در افغانستان و پاکستان ندارند.

در اعلامیهٔ مطبوعاتی صادر شده از ارگ همچنان آمده است که: حامد کرزی تصریح کرد که دعوت رسمی جانب افغانستان از آصف علی زرداری همچنان پا برجاست و امیدوار است در فرصت دیگری موصوف به افغانستان سفر کند.

## ماندگاری ملت های در گرو بحران چیست؟

**نباید از این امر چشم پوشی کرد که ظهور تعصب در برخی رده های فاقد پختگی روحی و فکری لازم واقعیتی است ملموس که منجر به برخوردهای داخلی گردیده است و بدون شک چنین پدیده در جامعه بدون این که قصدی دراین زمینه موجود باشد، به اهداف زشت دشمنان کمک خواهد کرد.** ادامه درص۵

## رویدادهای هفته

**کشته شدن سه سرباز کانادایی در قندهار**

سه تن از سربازان کانادایی روز یک شنبه ۲۴ قوس درولایت قندهار زمانی کشته شدند که کاروان نظامی این نیروها با ماین از قبل جاسازی شده در کنارجاده برخورد کرد.

منابع نیروهای خارجی کشته شدن این سربازان را با انتشاربیانیه یی در کابل تایید کرده اند، کانادا در حال حاضر ۲۷۵۰ نفر سرباز در افغانستان دارد که در ولایت ناآرام قندهار فعالیت می کنند و از آغاز سال ۲۰۰۱ تا کنون بیش از صد تن از سربازان کانادایی در جنگ افغانستان کشته شده اند.

**حملهٔ انتحاری در قندهار سه سرباز پولیس را کشت**

یک حملهٔ انتحاری روز یک شنبه ۲۴ قوس در ولایت قندهار منجر به کشته شدن سه سرباز پولیس و مجروحیت دوازده تن دیگر که شامل پنج غیرنظامی می شود، گردید.

در خبر آمده است که این رویداد زمانی در مقابل یک درمانگاه در ولایت قندهار رخ داد که یک کاروان سربازان پولیس از آن محل می گذشت.

**سفربوش به افغانستان**

جورج دبیلو بوش رئیس جمهور امریکا در آخرین روزهای ریاست جمهوری اش در سفر از قبل اعلام نشده وارد افغانستان شد، بوش بعد ازملاقات با سربازان امریکایی در پایگاه اصلی آنها در بگرام با حامدکرزی ملاقات کرد و هردو رئیس جمهور در کنفرانس خبری به سوالات خبرنگاران پاسخ دادند، بوش دراین نشست خبری گفت که همکاری کشورش از حکومت افغانستان در جهت مبارزه با تروریزم ادامه می یابد.

**اتهام ارتباط وزیر تجارت با مافیا و سلب اعتماد وی**

در پی عدم کنترول نرخ مواد اولیه دربازار، اعضای شورای ملی تصمیم گرفتند تا محمدامین فرهنگ وزیر تجارت را استیضاح کنند. برخی از نمایندگان روز چهارشنبه ۲۷ قوس به روزنامه پیمان گفته اند که وزیر تجارت علاوه برآنکه در کارش ناکام است وی راس مافیای اقتصادی قرار دارد و باید محاکمه شود، وزیر تجارت در جلسهٔ روز پنجشنبه شورای ملی باگرفتن یک رأی و ۱۲۶ رأی عدم اعتماد، سلب صلاحیت گردید.

**فعالیت های سازمان ملل متحد درافغانستان افزایش می یابد**

کای ایده فرستاده خاص سرمنشی سازمان ملل متحد درافغانستان گفته است که فعالیت های سازمان ملل متحد درافغانستان در سال آینده دو برابر می شود. کای ایده گفته است که فعالیت های تمام سازمان های بین المللی و داخلی درافغانستان قابل قبول نیست و موثریت کمک ها نیز هم برای مردم افغانستان و هم سازمان ملل قناعت بخش نیست.

**عضو یک باند آدم ربا در کابل بازداشت شد**

یک جوان نزده ساله که گفته می شود در قضیهٔ آدم ربایی در کابل متهم بود روز سه شنبه ۲۶ قوس از سوی نیروهای پولیس در ساحهٔ سالنگ وات شهر کابل بازداشت شد. به گفتهٔ علی شاه پکتیاوال مسؤول مبارزه با جرایم جنایی فرماندهی پولیس کابل، شخص گرفتارشده فضل الربی نام و به گرگک مشهور بوده و درچند قضهٔ آدم ربایی دست دارد و به قتل نیز متهم است، متهم نیز اعتراف به دست داشتن در موارد آدم ربایی و اخذ پول از ربوده شدگان اعتراف کرده است.

**کشته شدن اعضای خانواده یی در خوست توسط نیروهای خارجی**

نیروهای امریکایی مستقر در ولایت خوست شب چهارشنبه ۲۷ قوس بر یک خانه شخصی در ولایت خوست حمله کرده و چندتن از عضای یک خانواده را کشتند در خبر آمده است که سگ های این نیروها سه تن از زنان این خانواده را گزیده اند معاون والی خوست وقوع این رویداد را تایید کرده است. اما نیروهای خارجی گفته اند که آن ها از این محل چند فرد مشکوک را گرفتار کرده اند.